

همکاری و مشارکت در بهره‌برداری از میادین مشترک

محمد مهدی زاهدی وفا*

فرهاد فتح‌زاد**

چکیده

مدیریت ۲۸ میدان مشترک نفت و گاز نیازمند توجه ویژه است و نمی‌توان با تکیه بر اصل حاکمیت ملی بر بهره‌برداری یک‌جانبه اصرار ورزید و باید به سمت همکاری با کشور همسایه حرکت و شرایط و مقدمات لازم را فراهم کرد. در این مقاله، با توجه به ابعاد سه‌گانه همکاری با کشور همسایه، -اقدامات ملی، تعامل با کشور همسایه و الزامات بین‌المللی- به بررسی و مقایسه قوانین و مقررات داخلی و قراردادهای تحدید حدود پرداخته می‌شود. پس از بررسی و مقایسه، این نتیجه به دست آمد که به‌رغم آگاهی قانونگذار به ضرورت همکاری با کشور همسایه در میادین مشترک در قراردادهای تحدید حدود، قوانین و مقررات لازم برای حرکت به سوی این امر وجود ندارد. از سوی دیگر، با اینکه قراردادهای تحدید حدود کشور ایران، در نیم قرن اخیر به این مسئله توجه داشته‌اند؛ ولی در شکل ساده خود متوقف شده و هیچ‌گونه تغییری، در جهت بهبود شرایط و زمینه‌سازی برای همکاری، صورت نگرفته است.

واژگان کلیدی: میدان مشترک، بهره‌برداری یک‌جانبه، همکاری و مشارکت، قانون، قرارداد و حاکمیت.

طبقه‌بندی JEL: Q48

۱. مقدمه

بنا به گزارش چشم‌انداز انرژی^۱ (۲۰۱۶) اداره اطلاعات آمریکا (EIA)،^۲ تا سال ۲۰۴۰ میلادی ۳۰ درصد منبع انرژی به نفت اختصاص خواهد داشت و مصرف گاز نیز دو برابر خواهد شد. مشترک بودن برخی از منابع نفت و گاز، به دلیل اهمیت یادشده، در قوانین و مقررات و موافقت‌نامه‌های تحدید حدود بین کشورها تأثیرگذار خواهد بود. در کشور ما نیز پانزده درصد از منابع نفتی و نیمی از منابع گازی در ۲۸ میدان مشترک قرار دارد (آسایش، ۱۳۹۵). اهمیت این موضوع باعث توجه قوانین و مقررات داخلی و قراردادهای تحدید حدود با کشورهای همسایه به این موضوع شده است. هر برنامه‌ای هم که برای وزارت نفت نوشته می‌شود، معمولاً تولید از میادین مشترک نفت و گاز از مهم‌ترین اولویت‌های وزارتخانه معرفی می‌شود. سؤال این است که این اولویت به چه معناست و بهره‌برداری از این میادین باید به چه صورت انجام گیرد تا منافع ملی حفظ شود؟ پاسخ این سؤال همکاری با کشور همسایه است.

میدان نفتی می‌تواند میان مالکان خصوصی مشترک باشد و یا کشوری میدان نفتی خود را به بیش از یک شرکت نفتی واگذار کند و یا اینکه میدانی میان کشورها مشترک باشد. بحث از لزوم همکاری و مشارکت در توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک در حالت اول فقط در ایالات متحده آمریکا، به دلیل پذیرش مالکیت خصوصی قابل طرح است. در کشور ایران و دیگر کشورها که مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته نمی‌شود، نیز از لزوم همکاری و مشارکت و یکپارچه‌سازی در صورت واگذاری میدان به دو یا چند سرمایه‌گذار و یا در صورت مشترک بودن میدان بین کشورها بحث شده است. در این کشورها قوانینی مرتبط با میادین مشترک وضع و موضوع هماهنگی یا یکپارچه‌سازی این میادین، در قراردادهای تحدید حدود منعکس شده است.

معاهده‌های تحدید حدود کشور ما، یا به مسئله همکاری و مشارکت نپرداخته‌اند و یا به صورت کلی و اجمالی به مسئله پرداخته‌اند. قوانین و مقررات داخلی نیز آشکارا دولت را به همکاری و یا انعقاد موافقت‌نامه با همسایگان برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک ملزم و یا تشویق نکرده است؛ ولی تعهدات عامی مبنی بر همکاری در این باره قابل استنباط است. افزون بر تعهدات عام یادشده، در قوانین و مقررات متعدد، یا موضوع بهره‌برداری از میادین مشترک مورد تأکید قرار گرفته، یا تسهیلاتی برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک در نظر گرفته شده و یا برخی از مشوق‌ها برای توسعه میادین مشترک مقرر شده است (شیروی، ۱۳۹۳).

در این مقاله، ضمن اشاره به مشکلات ناشی از بهره‌برداری یک‌جانبه یا حیازت در میادین

1. International Energy Outlook (IEO2016)

2. U.S. Energy Information Administration (EIA)

مشترک، به این مسئله پرداخته می‌شود که چگونه می‌شود به سمت همکاری با کشور همسایه حرکت کرد و برای شکل‌گیری همکاری چه مقدمات و شرایطی لازم است؟ مشکلات بهره‌برداری یک‌جانبه ناشی از ناسازگاری قواعد دانش فنی-مهندسی با «قانون مالکیت» و «اصل حاکمیت دائمی کشورها بر منابع طبیعی خود»^۱ است که میادین نفت و گاز را به صورت اعتباری به دو یا چند قسمت تقسیم کرده‌اند. بهره‌برداری یک‌جانبه با استناد به اصل مالکیت و حاکمیت ملی، مشکلاتی را به شرح زیر به وجود می‌آورد: (لانگ و آسموس،^۲ ۲۰۰۶).

- حفاری‌های بیش از اندازه و ایجاد تأسیسات موازی بر اثر رقابت به وجود آمده با اعمال قاعده حیازت؛

- محرومیت از ایجاد تأسیسات مشترک و کاهش هزینه تولید و بهره‌برداری؛

- عدم تبادل اطلاعات فنی و کاهش نرخ بازیافت نهایی میدان؛

- از دست رفتن حقوق صاحبان میدان؛

- تخریب زیست‌محیطی بر اساس حفاری‌ها بیش از اندازه و ایجاد تأسیسات موازی.

به خاطر اهمیت حل این مشکلات، کشورهایی که با موضوع میدان مشترک در صنعت نفت درگیر بوده‌اند، به سمت همکاری با کشور همسایه حرکت کرده‌اند و ابزارهای لازم، اعم از قوانین و موافقت‌نامه‌ها، را نیز فراهم و از روش‌های بهره‌برداری مشترک استفاده کرده‌اند. هم قوانین و مقررات داخلی را اصلاح کرده‌اند و هم در قراردادهای تحدید حدود به این مسئله پرداخته‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مروری بر روش بهره‌برداری معمول از میادین مشترک

اعمال اصل حاکمیت ملی در میدان مشترک بدون توجه به دانش مهندسی مخزن از یک سو مشکلاتی را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر، دولت نمی‌تواند برخلاف قوانین و قراردادهایی که در صحنه بین‌المللی پذیرفته است، عمل کند. پس روش بهره‌برداری از این میادین چیست؟ آرنایتو^۳ (۲۰۱۳)، در این باره دو نظریه را مطرح می‌کند: حیازت بین‌المللی^۴ و همکاری و مشارکت.^۵ حیازت (بهره‌برداری یک‌جانبه) به معنای کاربرد همان قوانین و قواعد یادشده است؛ هر دولتی در قلمرو سرزمینی خود بنا بر اصل حاکمیت ملی بر منابع نفتی حق حفاری دارد و دولت دیگری نمی‌تواند مانع شود؛ ولی همکاری و مشارکت، توافق و قرارداد جدیدی، افزون بر قوانین و قراردادهای پیشین است.

1. Permanent Sovereignty over Natural Resources

2. Lang & Asmus

4. The Rule of Capture

3. Arinaitwe

5. Joint Cooperation in Development

کینگ^۱ (۱۹۴۸) نیز، در مقاله خود به میادین مشترک آمریکا می‌پردازد. در دهه‌های اول پیدایش صنعت نفت در ایالات متحده از قاعده حیات در میادین مشترک برای اعمال حق مالکیت استفاده می‌کردند. امروزه نیز اعمال یک‌جانبه حق حاکمیت دولت‌ها شباهت تام و کامل به آن تجربه دارد. به خاطر مشکلات ناشی از این روش که در مقدمه ذکر شد، راه حل مشارکت و همکاری پیشنهاد گردید. در آمریکا، روش همکاری به دو صورت قانونی^۲ و قراردادی^۳ انجام می‌گرفت. برخی از مالکان با اختیار خودشان قرارداد همکاری منعقد می‌کردند و در دیگر موارد قانون، مالکان را ملزم به همکاری می‌کرد.

کاشانی (۱۳۸۹) می‌گوید که در صحنه بین‌المللی، مرجع عالی قضایی وجود ندارد که بستری فراهم و قانونی وضع و از آن بستر و قانون حمایت کند. به اصطلاح تابعان حقوق بین‌الملل، واضعان قواعد و ایجادکنندگان حق و تکلیف هستند. در این صحنه بهره‌برداری از میدان مشترک ممکن است بر اساس معاهده‌ها و موافقت‌نامه‌های دوجانبه میان کشورها صورت پذیرد و در صورت فقدان توافق بین کشورها، صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل جهت ارائه راهکار بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز به دیگر منابع حقوقی رجوع می‌کنند. شیروی (۱۳۹۳) به اسناد بین‌المللی، رویه مراجع قضایی، دیدگاه خبرگان حقوق بین‌الملل، اصول کلی حقوقی، عرف بین‌المللی و مسئولیت بین‌المللی به عنوان منابع حقوق بین‌الملل اشاره می‌کند.

توافق همکاری میان کشورها بر اساس شکل همکاری تقسیم‌بندی می‌شود؛ تعهد به همکاری در بهره‌برداری در موافقت‌نامه‌های تحدید حدود،^۴ بهره‌برداری توسط یکی از دو کشور مثل تفاهم‌نامه بین ایران و شارجه، مشارکت در بهره‌برداری به وسیله قراردادهای نفتی توسعه مشترک، بهره‌برداری توسط یک نهاد مشترک، بهره‌برداری یکپارچه یا آحادسازی.

۲-۲. مروری بر قراردادهای یکپارچه‌سازی و توسعه مشترک

اگر توافقی میان کشورهای همسایه در مورد همکاری در بهره‌برداری از میادین مشترک وجود داشته باشد، مهم‌ترین بحث در مورد میدان مشترک، سطح و شکل همکاری خواهد بود. در این صورت موافقت‌نامه‌ای برای توسعه میادین مشترک منعقد می‌شود. این موافقت‌نامه، شکل و سطح همکاری

1. King

2. Compulsory Pooling

3. Voluntary Pooling

۴. موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره در دریای شمال بین انگلستان و نروژ در سال ۱۹۶۵ اولین موافقت‌نامه تحدید حدود بود که طرفین تعهد کردند که در بهره‌برداری از میادین مشترک همکاری کنند: «ماده چهارم: هرگاه مخزن نفتی واحدی بین خط مرزی امتداد داشته باشد و بخشی از مخزن که در یک طرف مرز قرار دارد کلاً یا جزاً از طرف دیگر قابل استحصال باشد، دو کشور متعهدند ضمن مشورت با صاحب امتیاز، اگر وجود داشته باشد، نسبت به شیوه مؤثر بهره‌برداری از مخزن نفتی و نحوه تقسیم عواید آن توافق نمایند.»

را با جزئیات کامل مشخص می‌کند. موافقت‌نامه‌های موجود را بر اساس وضعیت میدان نفتی مشترک تقسیم‌بندی می‌کنند. اگر مرز جغرافیایی دو کشور مشخص و معین باشد و دو کشور دارای موافقت‌نامه تحدید حدود باشند، در بهترین حالت، معمولاً از قراردادهای یکپارچه‌سازی یا آحادسازی^۱ استفاده می‌کنند؛ ولی اگر مرز جغرافیایی تحدید حدود نشده باشد، از قراردادهای توسعه مشترک^۲ استفاده می‌کنند.

در مواقعی که دو کشور همسایه در مورد مرز جغرافیایی اختلاف دارند و هنوز به توافقی در مورد آن نرسیده‌اند و مرز مشخصی وجود ندارد، معمولاً منطقه‌ای وجود دارد که دو کشور نسبت به آن ادعای حاکمیت دارند. منطقه مورد مناقشه، به‌عنوان منطقه توسعه مشترک در نظر گرفته می‌شود و قراردادی مبنی بر اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان نفتی به‌صورت مشترک منعقد می‌شود، به این قراردادها، قرارداد توسعه مشترک می‌گویند. استایل^۳ (۲۰۰۷)، این قراردادها را تلاش مشترک برای اکتشاف و تولید نفت و گاز می‌داند.

زمانی هم که دو کشور همسایه مرز جغرافیایی مشخص و معین دارند و دارای موافقت‌نامه تحدید حدود می‌باشند، در این صورت، اگر دو کشور همسایه اراده همکاری داشته باشند، معمولاً از قراردادهای یکپارچه‌سازی استفاده می‌کنند. لانگ و آسموس (۲۰۰۶) در تعریف قرارداد یکپارچه‌سازی، در مقاله‌ای که برای انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی نوشته‌اند، می‌گویند: قرارداد یکپارچه‌سازی (آحادسازی) عبارت است از عملیات مشترک و هماهنگ مالکان قطعات زمین‌های محاذی مخزن یا مخازن نفت و گاز.

۳. روش تحقیق

در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی قوانین و مقررات داخلی حاکم بر صنعت نفت و موافقت‌نامه‌های تحدید حدود با کشور همسایه و نگاه به معاهده‌های بین‌المللی و مقایسه آنها با موارد مشابه در دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای حاشیه اقیانوس قطب شمال، به بحث مقدمات و شرایط یا ابزار لازم برای همکاری پرداخته می‌شود.

پس از بروز مشکلات برای میادین مشترک و بررسی موضوع، متخصصان دریافتند که راه‌حل مسئله همکاری و مشارکت در توسعه و بهره‌برداری از میدان است. این پژوهش‌ها در بخش پیشین مرور شد. به‌طورکلی این مطالعات، به مشکلات بهره‌برداری یک‌جانبه، بهترین راه‌حل بودن همکاری و مشارکت، تجویز همکاری و مشارکت با استناد به منابع حقوق بین‌الملل و امکان ملزم کردن مالکان

1. Unitization Agreement

2. Joint Operating Agreement (JOA)

3. Scott cstyles

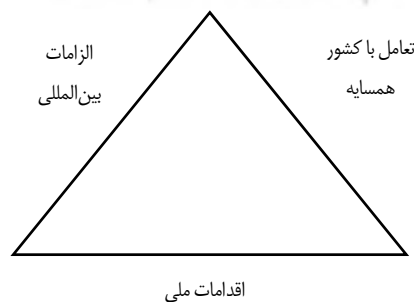
به همکاری و شکل‌های معمول همکاری در دنیا پرداخته‌اند. همه این بحث‌ها برای فرهنگ‌سازی در این موضوع و ارائه راه‌حل لازم بوده است. مطلبی که باید به این بحث‌ها افزوده شود، این است که کشورها برای رسیدن به آن باید چه مقدمات و شرایطی را فراهم کنند که نبود آنها مانع شکل‌گیری همکاری شده است؛ به سخن دیگر این همکاری چه ابزاری نیاز دارد و آیا کشور ایران به سمت این همکاری حرکت می‌کند یا خیر؟

۴. بررسی و مقایسه قوانین و مقررات داخلی و قراردادهای تحدید حدود

۴-۱. شرایط و مقدمات همکاری با کشور همسایه

همان‌طور که بیان شد، قوانین و مقررات داخلی و به تبع آن وزارت نفت، تولید از میادین مشترک را دارای اولویت می‌داند. این اولویت به خاطر حفظ منافع ملی است که وزارت نفت به نمایندگی از دولت حق اعمال حاکمیت در این‌باره را دارد. منافع ملی ما در گرو همکاری و مشارکت با کشور همسایه است. توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی، به‌ویژه میادین مشترک، تحت تأثیر تحولات صنعت نفت در جهان است و یا دست‌کم نمی‌توان برنامه‌ای بدون توجه به تحولات بین‌المللی مرتبط با این صنعت نوشت. بنابراین برنامه بهره‌برداری از میدان مشترک، برنامه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

به سخن دیگر، فعالیت‌های توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک، سه ضلع دارد: اقدامات ملی، تعامل با کشور همسایه و الزامات بین‌المللی. در بین این سه ضلع، اقدامات ملی از همه مهم‌تر است و قاعده مثلث فعالیت‌های توسعه و بهره‌برداری در میادین مشترک را شکل می‌دهد. نقطه شروع فعالیت‌ها اقدامات ملی است و پس از فراهم بودن زمینه لازم داخلی، مذاکره با کشور همسایه است و در این مذاکره عرف و استانداردهای بین‌المللی باید رعایت شود. این چرخه سه مرحله‌ای یا سه‌فازی نباید یک بار انجام بگیرد و بلکه باید بارها و بارها، به همین ترتیب گفته‌شده، بازنگری و تکرار شود.



۴-۲. بررسی و مقایسه قوانین و مقررات داخلی (اقدامات ملی)

اقدامات ملی که مهم‌ترین بخش از فعالیت‌های دولت و وزارت نفت برای حفظ حاکمیت ملی بر منابع نفتی مشترک است، ابعاد گوناگونی دارد که هر کدام در جای خود ارزشمند است و باید انجام شود تا منافع ملی حفظ شود؛ ولی ما فقط به جنبه حقوقی آن نظر داریم. در قوانین و مقررات داخلی، دولت آشکارا به همکاری با کشورهای همسایه برای اکتشاف و بهره‌برداری در میادین مشترک ملزم نشده است و در تصریح قانونی قوانین و مقررات داخلی، هیچ سخنی از همکاری وجود ندارد؛ ولی ممکن است تعهد عام به همکاری قابل استنباط باشد که استناد قوی و قابل تکیه‌ای نیست؛ زیرا این مسئله ابعاد فراوان سیاسی، اقتصادی و حقوقی دارد و این‌گونه تعهدات عام تکیه‌گاه محکمی نیستند. برای مثال در قانون برنامه پنج‌ساله دوم در ماده ۱۲ به: «تقویت روابط حسنه با همسایگان، دور کردن تشنج از مرزها، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و قاره‌ای» تأکید شده است و یا در برنامه پنج ساله سوم در ماده ۱۸۶ از وزارت امور خارجه خواسته شده که «همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی» را گسترش دهد و از «تشنج در روابط با کشورهای غیر متخصص» پرهیز کند یا از وظیفه وزارت نفت مندرج در «قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت» مصوب ۱۳۹۱، «نظارت بر بهره‌برداری بهینه و صیانتی از ذخایر و منابع نفت و گاز کشور» و یا الزام به صیانت از ذخایر در دیگر قوانین، مقررات و سیاست‌های کشور، تعهد عام نسبت به همکاری قابل استنباط است؛ زیرا حفظ و صیانت از ذخایر مستلزم همکاری با کشور همسایه است.^۱

از این تصریحات که در لابه‌لای قوانین وجود دارد، فقط تعهد عام قابل برداشت است. از سوی دیگر مخاطب این قوانین، به جز قوانین مرتبط با حفظ و صیانت از ذخایر، به‌طور مستقیم وزارت نفت نیست؛ زیرا قانونگذار به دنبال وضع قانونی ویژه برای همکاری در بهره‌برداری از میادین مشترک نبوده است. مسئله بهره‌برداری از میادین مشترک و همکاری با کشور همسایه به دلیل اهمیت موضوع نیازمند تصریح قانونی است. حتی ممکن است برخی از مفسران قانون همکاری با کشور همسایه در میادین مشترک را مصداق روابط حسنه یا پرهیز از تشنج ندانند؛ بنابراین این تعهدات عام کافی نیستند. نکته دیگر اینکه حمایت از سازمان یا وزارت عامل، در مسئله‌ای با این اهمیت، نیازمند تصریح قانونی است؛ زیرا یک فعالیت بین‌المللی محسوب می‌شود و وزارتخانه عامل باید با مستندات محکم‌تری به مذاکره بپردازد. در مواردی هم که قوانین و مقررات آشکارا به میادین مشترک پرداخته، اشاره‌ای نسبت به همکاری با کشور همسایه نکرده است.

۱. برای توضیح بیشتر ر.ک: غفاری و تکلیف (۱۳۹۴)

۴-۲-۱. میادین مشترک در قوانین و مقررات داخلی

قوانین مرتبط با میادین مشترک عبارت‌اند از:

الف) قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹؛

ب) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳؛

ج) قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵؛

د) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹؛

ه) قانون اصلاح قانون نفت سال ۱۳۹۰؛

و) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴.

مواردی که در قوانین و مقررات یادشده وجود دارند، عبارت‌اند از: برخی مجوزها، اولویت‌ها،

تسهیلات، تشویقات، تأکيدات و استثناهایی بر فعالیتهای مرتبط با میادین مشترک.

از جمله مجوزها، می‌توان به مجوز عقد قرارداد با شرکت‌های ذی‌صلاح خارجی در میادین گازی پارس جنوبی (مشترک با قطر)، مجوز صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید برای توسعه میدان‌های نفت و گاز با اولویت میادین مشترک با تأکید بر توسعه میادین مشترک شناخته شده و مجوز اختصاص سود خالص شرکت‌های دولتی تابعه وزارت نفت جهت تأمین منابع لازم برای انجام هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های یادشده با اولویت میادین مشترک نفتی و گازی اشاره کرد. این نوع مجوزها به‌طور عمده در آغاز دهه هفتاد بوده است یا در مواد مختلف قانونی، به اولویت فعالیتهای مرتبط با میادین مشترک اشاره شده است؛ مانند اولویت اکتشاف و استخراج گاز از مخازن مشترک با کشورهای همجوار برای ایجاد رشد اقتصادی، بهره‌گیری از منابع نفت و گاز (به‌ویژه مناطق گازی پارس جنوبی) برای ارتقای نقش و جایگاه بین‌المللی کشور و تعامل مؤثر در اقتصاد بین‌المللی و افزایش ظرفیت تولید نفت خام، گاز و میعانات گازی با اولویت مخازن مشترک یا در قوانین مختلف، تسهیلاتی به فعالیتهای مرتبط با این میادین اختصاص یافته است؛ مانند، افزایش سهم وزارت نفت از درآمد نفت در مورد نفت خام تولیدی از میادین مشترک، موظف کردن بانک مرکزی به اختصاص خط اعتباری برای تأمین منابع طرح‌های بالادستی نفت و گاز در حوزه‌های مشترک، تخصیص هجده درصد از منابع به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی یا تعاونی برای طرح‌های توسعه‌ای بالادستی نفت و گاز با اولویت میادین مشترک، جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی برای توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک، اختصاص مقداری از مازاد منابع ارزی ناشی از افزایش قیمت و مقدار صادرات نفت خام و میعانات گازی صرفاً برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میادین مشترک.

همچنین، مجوز انتشار اوراق مشارکت ریالی و یا صکوک برای اجرای طرح‌های انتفاعی دارای

توجیه فنی، اقتصادی و مالی خود با اولویت اجرای پروژه‌ها و طرح‌های میادین نفت و گاز مشترک که می‌تواند هم به‌عنوان مجوز از آن یاد کرد و هم اختصاص تسهیلاتی برای میادین مشترک است. باز از جمله تسهیلات، می‌توان به تکلیف وزارت نفت برای به‌کار بردن سهم درآمدی خود از نفت صرفاً در اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری برای توسعه میادین نفتی یا حفظ ظرفیت آنها و توسعه میادین گازی مشترک اشاره کرد.

البته از موارد اخیر و مواردی مانند طراحی آیین‌نامه خاص برای پرداخت حقوق و مزایا با رویکرد تقویت رقابت‌پذیری و سرعت بخشیدن به بهره‌برداری از میادین مشترک و ذخیره‌سازی نفت خام، میعانات گازی و گاز طبیعی مخازن مشترک در مخازن غیر مشترک می‌توان تشویق یا تأکید هم استنباط کرد. همچنین در قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۹۰ نیز، واگذاری و اجرای طرح‌های مربوط به اکتشاف، توسعه، تولید، تعمیر و نگهداشت میادین مشترک نفت و گاز از شمول قانون برگزاری مناقصه‌ها مستثنا شده است.

۲-۲-۴. میادین مشترک در قوانین و مقررات داخلی دیگر کشورها

انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی، قوانین فدرال ایالات متحده و قوانین ملی دوازده کشور شامل آنگولا، آذربایجان، برزیل، چین، کلمبیا، اکوادور، مصر، اندونزی، نیجریه، روسیه، انگلستان و یمن را در خصوص قرارداد یکپارچه‌سازی بررسی کرده است. کشورهای که قرارداد یکپارچه‌سازی را قبول دارند و به رسمیت می‌شناسند، در قوانین و مقررات داخلی، آشکارا از این قراردادها نام برده‌اند و مقرراتی برای مدیریت یکپارچه‌سازی^۱ دارند. شرایطی برای انعقاد قرارداد یکپارچه‌سازی قید کرده‌اند و به توافقی یا اجباری (قانونی) بودن این قراردادها پرداخته‌اند. همچنین، اهدافی برای قراردادهای یکپارچه‌سازی ذکر کرده‌اند؛ برای نمونه در قانون انگلستان آمده است که قرارداد یکپارچه‌سازی، در صورتی که در راستای منافع ملی باشد، مجاز است. در قوانین و مقررات داخلی این کشورها، میان میادین نفتی و گازی تفاوت گذاشته‌اند و اصطلاحات مرتبط با میدان نفتی مانند میدان، مخزن و لایه نفتی را با دقت به‌کار برده‌اند و به عوامل تعیین‌کننده سهم یا بازبینی آن اشاره و به مباحث مالی مرتبط با میادین مشترک پرداخته‌اند. همچنین، امکان تداوم قرارداد یکپارچه‌سازی، راهکار مناسب برای زمان عدم همکاری و ضمانت تصویب برنامه عملیات یکپارچه‌سازی را پیش‌بینی و بیان کرده‌اند و سازوکار حل اختلاف، در صورت بروز آن را مشخص کرده‌اند.

1. Laws and Regulations Governing Unitization

برخی کشورها، قوانین و مقررات ویژه هم دارند: انتصاب یک شرکت عامل برای مخزن مشترک در قوانین اکوادور، پرداختن به محتوای قراردادهای یکپارچه‌سازی در قوانین برزیل و اکوادور، به کار بردن قراردادهای خدماتی در اکتشاف و حفاری میداین مشترک در قانون نیجریه و دستور ویژه مقام وزارت در بخش ۲۶ مدل قراردادی ۱۹۹۹ انگلستان،^۱ که مورد اخیر درباره قراردادهای یکپارچه‌سازی با کشورهای همسایه است. قانون انگلستان اختیار تصمیم در خصوص همکاری با کشور همسایه را به مقام وزارت داده است و شرکت نفتی طرف قرارداد، باید از دستور وزیر دولت انگلستان پیروی کند؛ دستوری که می‌تواند هر نوع تغییری در قرارداد ایجاد کند.

۴-۲-۳. بررسی و مقایسه

بررسی قوانین و مقررات داخلی و مقایسه آن با قوانین و مقررات داخلی دیگر کشورها، نشان می‌دهد که:

- الف) در قوانین و مقررات داخلی از اواخر دهه شصت، به میداین مشترک پرداخته شده است. نزدیک ۲۵ سال (ربع قرن) است که به این مسئله در قوانین داخلی توجه شده است؛
- ب) در هیچ کدام از این قوانین به همکاری و مشارکت با کشور همسایه تصریح نشده است؛ بلکه استنباط اولیه این است که قانونگذار بهره‌برداری یک‌جانبه را قبول دارد. شاید این قبول از روی ناچاری باشد؛ ولی جهت‌گیری این قوانین به سمت همکاری با کشور همسایه نیست؛
- ج) به‌طور عمده قوانین مربوط به میداین مشترک در ضمن دیگر قوانین آمده است. به ندرت بند یا ماده‌ای مستقل به این بحث اختصاص داده شده است؛
- د) هرچند در این قوانین، هیچ اشاره‌ای به همکاری با کشور همسایه نشده، ولی در عین حال منع هم نشده است؛
- ه) فقط به اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از مخازن مشترک تأکید، تشویق و توجه ویژه شده (اولویت داده‌اند) و یا تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است؛
- و) نکته‌ای که وجود دارد این است که به تدریج این بحث اهمیت پیدا کرده، تا جایی که این موضوع، افزون بر برنامه توسعه و بودجه‌های سالانه، در قانون وظایف و اختیارات وزارت وارد شده و سه کلیدواژه در آن به کار رفته است: اولویت، سرعت و استثنا؛ اولویت دادن به توسعه میداین مشترک، سرعت بخشیدن به بهره‌برداری از آنها و استثنا کردن طرح‌های مربوط به این میداین از قانون برگزاری مناقصه‌ها با تأیید وزارت نفت در این قانون وارد شده است. انعکاس مسئله میداین

1. Directions as to Oil Fields Across Boundaries

مشترک در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت نکته مثبتی است؛ ولی باز هم، هیچ اشاره‌ای به همکاری با کشور همسایه نشده است؛

ز) از قوانین بودجه سالانه کل کشور در سال‌های پس از قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، برداشت می‌شود که منظور قانونگذار از اولویت دادن و سرعت بخشیدن به توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک، فعالیت‌هایی از قبیل تخصیص بودجه بیشتر از منابع مختلف می‌باشد؛

ح) قانونگذار از الفاظ مختلف برای میادین مشترک استفاده کرده است: میدان، مخزن، حوزه؛ ولی هیچ‌کدام از این الفاظ را تعریف نکرده است. می‌توان گفت که از زبان دقیق فنی و مهندسی، در قوانین استفاده نشده است؛

ط) قوانین و مقررات داخلی در یک مرحله پایین‌تر و عقب‌تر نسبت به قراردادهای تحدید حدود قرار دارند. در قراردادهای تحدید حدود به «تلاش برای هماهنگ کردن عملیات و یا وحدت آن» اشاره شده است؛ ولی در قوانین داخلی از هماهنگ کردن عملیات و یا وحدت آن سخن گفته نشده است.

از دید نگارندگان، جهت‌گیری قوانین و مقررات داخلی باید به سمت همکاری با کشور همسایه باشد. مجری طرح‌های توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک، نسبت به همکاری با کشور همسایه با حفظ حاکمیت ملی افزون بر تشویق الزام شود. از مجری (وزارت نفت) درخواست شود تا نسبت به تشویق کشور همسایه برای همکاری اقدام و از آسیب‌های همکاری نکردن جلوگیری کند. به همین منظور پیشنهاد می‌شود تا کارگروهی تخصصی تشکیل شود؛ البته نیاز به تشکیل کارگروه تخصصی، کمیته فنی مشترک و یا تیم مدیریت مخزن از سوی نویسندگان و صاحب‌نظران احساس و ابراز شده است (شالباف و ملک، ۱۳۹۴؛ سجادیان، ۱۳۹۵). اعضای کارگروه تخصصی باید صاحب‌نظر در صنعت نفت و آشنا به دانش فنی و مهندسی مرتبط، حقوقدان و سیاستمدار باشند. این کارگروه برای رسیدن به اهداف زیر باید برنامه‌ریزی کند:

الف) فراهم کردن زیرساخت‌های حقوقی مورد نیاز: قوانین مورد نیاز و ساختار حقوقی لازم برای بهره‌برداری از میادین مشترک وجود ندارد. باید به وزارت نفت اختیار داده شود که درباره میادین مشترک همکاری و مشارکت کند و به دلیل اینکه تصمیم‌گیری درباره میادین مشترک تنها یک تصمیم‌گیری فنی-مهندسی نیست؛ بلکه ابعاد سیاسی و بین‌المللی هم دارد، به ساختار حقوقی خاص نیاز دارد تا در مواقع نیاز تصمیم لازم را بگیرد؛

ب) مطالعه دقیق میدان نفتی مشترک: شناخت میادین مشترک نخستین گام وزارت نفت یا هر سازمان متولی این میادین است. تا زمانی که مشخص نشده است که برنامه مناسب برای توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک چیست، نمی‌توان نسبت به همکاری یا عدم همکاری کشور همسایه

اظهار نظر کرد. مطالعات فنی و مهندسی مربوط به مخزن باید انجام گیرد تا مشخص شود که همکاری با کشورهای همسایه نیاز هست یا خیر و در چه سطحی همکاری ضرورت دارد؟ (ج) تهیه برنامه اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک: پس از انجام مطالعات فنی و مهندسی، برنامه مورد نیاز میدان مشترک برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری تهیه می‌شود.

۳-۴. بررسی و مقایسه قراردادهای تحدید حدود

دومین بُعد از ابعاد برنامه توسعه و بهره‌برداری از میداین مشترک، به تعامل با کشور همسایه برمی‌گردد. برای پرداختن به این بُعد، موافقت‌نامه‌های تحدید حدود کشور ایران بررسی و با قراردادهای تحدید حدود کشورهای دیگر مقایسه می‌شود. ابتدا موافقت‌نامه‌های تحدید حدود ایران بررسی می‌شود:

۳-۴-۱. موافقت‌نامه‌ها یا قراردادهای تحدید حدود ایران

موافقت‌نامه‌های تحدید حدودی که به این مسئله پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

- قانون موافقت‌نامه حاکمیت بر جزایر فارسی و العربی و تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی (سال ۱۳۴۷ مطابق با سال ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ میلادی)؛
- قانون موافقت‌نامه راجع به خط مرزی حد فاصل فلات قاره بین ایران و قطر (سال ۱۳۴۸)؛
- قانون موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره بین ایران و بحرین (سال ۱۳۵۰)؛
- قانون موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت سلطنتی عمان (سال ۱۳۵۳)؛
- قانون موافقت‌نامه تحدید حدود مرز دریایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان (سال ۱۳۷۷).

از بررسی این موافقت‌نامه‌ها می‌توان دریافت که موافقت‌نامه‌های بررسی شده حاوی یک ماده واحد هستند. برای مثال، ماده واحد «قانون موافقت‌نامه راجع به خط مرزی حد فاصل فلات قاره بین ایران و قطر» در اینجا آورده می‌شود:

هرگاه ساختمان زمین‌شناسی نفتی واحد یا میدان نفتی واحد یا هر ساختمان زمین‌شناسی واحد یا میدان واحدی از مواد معدنی دیگر به آن طرف خط مرزی مشخص در ماده (۱) این موافقت‌نامه امتداد یابد و آن قسمت از این ساختمان یا میدان را که در یک طرف خط مرزی واقع شده باشد بتوان کلاً یا جزئاً به وسیله حفاری انحرافی از طرف دیگر خط مرزی مورد بهره‌برداری قرار داد در این صورت:

الف) در هیچ‌یک از دو طرف خط مرزی مشخص در ماده (۱) هیچ‌چاهی که بخش بهره‌ده آن

کمتر از ۱۲۵ متر از خطر مرزی مزبور فاصله داشته باشد حفر نخواهد شد مگر آنکه طرفین نسبت به آن توافق کنند؛

ب) طرفین کوشش خواهند کرد که نسبت به نحوه هماهنگ ساختن عملیات و یا وحدت آن در دو طرف خط مرزی توافق حاصل کنند.

این تک ماده مندرج در قراردادهای تحدید حدود، مخصوص میدان نفتی نیست؛ بلکه شامل هر ماده معدنی نیز هست. در این موافقت‌نامه‌ها یک منطقه ممنوعه هم تعریف شده است. همچنین از طرفین درخواست شده که برای نیل به توافق در جهت هماهنگ یا یکنواخت کردن (یک کاسه کردن) عملیات تلاش کنند. کلیدواژه هماهنگ کردن عملیات و یک کاسه کردن و یا یکنواخت کردن (در قراردادهای تحدید حدود میان ایران-پاکستان و ایران-عمان) مهم است و جهت‌گیری درستی می‌باشد؛ ولی کلی و اجمالی است و از طرفی، طرفین متعهد به این کار نیستند؛ بلکه تنها متعهد به تلاش جهت نیل به توافق شده‌اند. این ماده واحده، مشخص نمی‌کند که به چه صورت می‌توان ادعای امکان بهره‌برداری میدان مشترک به وسیله حفاری توسط کشور همسایه را اثبات کرد و هیچ‌گونه سازوکار حل اختلاف در این ماده واحده وجود ندارد.

۴-۳-۲. موافقت‌نامه‌های تحدید حدود دیگر کشورها

همان‌طورکه اشاره شد، ایالات متحده مبتکر قراردادهای یکپارچه‌سازی است. انگلستان و نروژ نیز این قراردادها را، با گنجانیدن ماده واحده‌ای در قرارداد تحدید حدود در خصوص میادین مشترک،^۱ اولین بار در سال ۱۹۶۵ در سطح بین‌المللی مطرح کردند. موافقت‌نامه‌های تحدید حدود امضا شده پس از این تاریخ در بیشتر موارد، ماده یادشده را داشتند. ولی نیم قرن از مطرح شدن قراردادهای یکپارچه‌سازی در سطح بین‌المللی می‌گذرد و در این مدت قراردادهای تحدید حدود، با رفع ابهامات موجود، بهبود یافته‌اند. ماده مربوط به میادین مشترک، همان‌طورکه در بالا اشاره شد، مختص منابع نفتی نبود، چگونگی امکان بهره‌برداری توسط کشور همسایه را مشخص نمی‌کرد، به قرارداد یکپارچه‌سازی تصریح نکرده بود و بهره‌برداری مفید و اثربخش را تعریف نکرده بود. به سخن دیگر، به جزئیات لازم نپرداخته بود؛ ولی پس از حدود سه دهه، در قراردادهای تحدید حدود، چگونگی اثبات مشترک بودن میدان و انعقاد قرارداد، در صورت ادعا و درخواست طرفین مشخص شد.^۲ پس از آن، در سال ۲۰۰۶ در قرارداد تحدید حدود میان نروژ و دانمارک،

1. The Standard Unity of Deposit Clause

2. The Denmark (Greenland)-Norway (re Jan Mayen) (1995) and Denmark (Greenland)-Iceland (1997) agreements

یک نمونه قرارداد بهره‌برداری از میادین مشترک نیز گنجانده شد؛ ولی نمونه قرارداد یادشده، به نحوه حل اختلاف نپرداخته بود که در قراردادهای تحدید حدود میان ایسلند-نروژ (۲۰۰۸) و نروژ-روسیه (۲۰۱۰) نیز به این مسئله پرداخته شد. به‌طورکلی قراردادهای تحدید حدود، طی نیم قرن اخیر، روزبه‌روز پیچیده‌تر شدند و دو مشخصه اصلی را مد نظر قرار دادند: همکاری با کشور همسایه (به‌ویژه همکاری در قالب قرارداد یکپارچه‌سازی) و نحوه حل اختلاف (بنکس،^۱ ۲۰۱۶).

۴-۳-۳. بررسی و مقایسه

بررسی قراردادهای تحدید حدود کشورمان و مقایسه آنها با دیگر قراردادهای نشان می‌دهد که قانونگذار ایران در سال ۱۹۶۸ میلادی، حدود سه سال پس از تاریخ قرارداد تحدید حدود انگلستان و نروژ، در قراردادهای تحدید حدود به هماهنگی فعالیت‌ها در میادین مشترک توجه کرده است و یک سال پس از به‌کار بردن لفظ هماهنگ کردن عملیات و بعدها، در برخی موارد از لفظ یک کاسه کردن هم استفاده می‌کند؛ ولی در این نیم قرن، هیچ تغییری در قراردادهای تحدید حدود انجام نشده است. بر اساس مطالب پیش‌گفته، حرکت به سمت همکاری با کشور همسایه، پا به پای تحول صنعت نفت بین‌المللی، شروع شد و کشورهایی که این حرکت را آغاز کردند، در این مدت، قوانین و مقررات داخلی خود را هم‌زمان با تغییر و بهبود قراردادهای تحدید حدود، تغییر دادند و در صورت نیاز قراردادهای تحدید حدود خود را اصلاح کردند؛ ولی در ایران، نه تنها این اتفاق نیفتاده، بلکه همکاری و هماهنگی با کشور همسایه درباره میادین مشترک، در قوانین و مقررات داخلی منعکس نشده و قراردادهای تحدید حدود نیز بدون کوچک‌ترین تغییری ثابت مانده است. به نظر می‌رسد بهتر است در حال حاضر اقدامات زیر انجام شود:

الف) مذاکره با کشور همسایه برای همکاری و مشارکت در میدان مشترک: اگر مطالعات فنی و مهندسی درباره میدان مشترک، همکاری با کشور همسایه را لازم و ضروری بدانند، باید با کشور همسایه مذاکره شود که در این زمینه همکاری لازم را انجام دهد. ممکن است که کشور همسایه همکاری نکند و درخواست مذاکره را رد کند؛ ولی این درخواست باید انجام بگیرد؛ زیرا در دعاوی حقوقی به نفع کشور درخواست‌کننده است؛

ب) تشویق کشور همسایه به همکاری و مشارکت: پس از درخواست مذاکره برای همکاری، چنانچه کشور همسایه درخواست را نپذیرد، در مرحله اول به تشویق کشور همسایه برای همکاری اقدام شود؛

1. Bankes

ج) اعتراض به کشور همسایه در صورت بهره‌برداری یک‌جانبه از میدان مشترک: چنانچه کشور همسایه به‌رغم درخواست همکاری و اقدامات تشویقی ایران، یک‌جانبه بهره‌برداری کند، باید نسبت به اقدام یک‌جانبه اعتراض کرد. اعتراض به این اقدام باید کتباً به کشور همسایه اعلام شود. اعتراض ایران در دعاوی حقوقی به نفع کشور خواهد بود.

۴-۴. الزامات بین‌المللی

با توجه به اینکه اقدامات ملی و تعامل با کشور همسایه در صحنه بین‌المللی انجام می‌گیرد، باید عرف بین‌المللی را رعایت و طبق معاهدات پذیرفته شده، مانند کنوانسیون‌های زیست‌محیطی، عمل کرد. در مرحله اول، در صورت همکاری نکردن کشور همسایه، از طریق مراجع قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی اعتراض صورت پذیرد؛ زیرا این اعتراض‌ها در دعاوی حقوقی به نفع کشور اعتراض‌کننده است (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۶). در مرحله بعدی، از ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل، مانند ضمانت اجرا در نظام منشور ملل متحد و منافع مشترک و متقابل (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۴)، برای حفظ منافع ملی استفاده شود؛ اگرچه نمی‌توان با استفاده از این ضمانت‌ها، کشور همسایه را به همکاری وادار کرد، ولی برای حفظ منافع ملی در سطح بین‌المللی، چاره‌ای جز استفاده از این ابزار وجود ندارد که با دیپلماسی سنجیده این کار انجام شود. البته درباره استفاده از ابزارهای بین‌المللی خوب عمل نمی‌شود. برای مثال، کنوانسیون حقوق دریاها^۱ مصوب سازمان ملل در دسامبر ۱۹۸۲ توسط ایران امضا شد ولی هنوز رسماً به تصویب نرسیده است. در این مقاله صرفاً به الزامات بین‌المللی اشاره شد و پرداختن به این وجه، بحث مفصل و مقاله جداگانه‌ای نیاز دارد.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله برای بررسی موضوع میادین مشترک، سه بعد مهم همکاری با کشور همسایه در نظر گرفته شد: اقدامات ملی، تعامل با کشور همسایه و الزامات بین‌المللی. از دید نگارندگان ترتیب این ابعاد و مجموعه آنها مهم است و نادیده گرفتن اولویت و یا بعدی از این ابعاد، موجب خواهد شد که با شکل نگرفتن همکاری به میدان مشترک آسیب برسد و منافع ملی از بین برود. البته مقایسه اقدامات دیگر کشورها نشان می‌دهد که این کشورها از این سه بعد غافل نبوده‌اند. در بخش اقدامات داخلی با پذیرش ضرورت همکاری با کشور همسایه، زمینه لازم را فراهم کرده‌اند و با همسایه‌های خود برای توسعه میدان مشترک به توافق رسیده‌اند و از پیمان‌نامه‌ها و معاهده‌ها بین‌المللی نیز بهره برده‌اند که پرداختن به بخش اخیر، مقاله جداگانه‌ای می‌طلبد.

1. United Nations Convention on the Law of the Sea

در ایران، به‌رغم اهمیت بهره‌برداری از میادین مشترک و آگاهی صاحب‌نظران و مسئولان نسبت به ضرورت همکاری با کشور همسایه، تاکنون حرکت به سمت همکاری با کشور همسایه به‌کندی انجام شده و در برخی موارد، مانند قراردادهای تحدید حدود، می‌توان گفت که توقف صورت گرفته است. با بررسی قوانین و مقررات داخلی و قراردادهای تحدید حدود نیم قرن اخیر و مقایسه آن با اقدامات دیگر کشورها، دریافته‌ایم که قانونگذار به ضرورت همکاری و هماهنگی با کشور همسایه در خصوص میادین مشترک آگاهی داشته و در قراردادهای تحدید حدود به آن تصریح کرده است؛ ولی آگاهی و تصریح اجمالی برای شکل‌گیری همکاری کافی نبوده است. کشورهای دیگر نیز در ابتدای امر به اجمال در قراردادهای تحدید حدود به این مسئله پرداخته‌اند؛ ولی به تدریج قوانین و مقررات و قراردادهای تحدید حدود خود را تغییر داده‌اند تا زمینه مدیریت یکپارچه میدان مشترک فراهم شود.

کشور ایران با فاصله سه سال از تحولات بین‌المللی، در سال ۱۹۶۸ میلادی ماده واحده‌ای را در قراردادهای تحدید حدود گنجانده است. حتی ماده واحده گنجانده شده در قراردادهای تحدید حدود ایران، منطقه‌ای را در اطراف مرز جغرافیایی، به‌عنوان منطقه ممنوعه جهت حفاری، در نظر می‌گیرد که نسبت به قرارداد تحدید حدود نروژ و انگلستان یک گام به جلو بوده است؛ ولی در همین مرحله متوقف می‌شود؛ ولی کشورهای دارای میدان مشترک، با آگاهی به همکاری و هماهنگی و یکپارچه‌سازی و پذیرش آن، قوانین و مقررات داخلی و قراردادهای تحدید حدود خود را تغییر می‌دهند تا جایی که قراردادهای یکپارچه‌سازی را به‌عنوان بهترین شکل همکاری می‌پذیرند و برای آن قوانین ویژه‌ای تصویب می‌کنند و در قراردادهای تحدید حدود با همسایگان نیز به سمت قراردادهای یکپارچه‌سازی حرکت می‌کنند. آخرین تحولات این قراردادها شامل این عناصر است: الف) چگونگی تشخیص میدان مشترک مشخص شده است؛ ب) مدل قرارداد یکپارچه‌سازی یا قرارداد عملیات مشترک را پذیرفته‌اند؛ ج) سازوکار حل اختلاف را مشخص کرده‌اند. با توجه به بررسی‌های یاد شده پیشنهاد مقاله این است:

الف) ترتیب، اولویت و مجموعه اقدامات سه‌گانه در نظر گرفته شود: اقدامات ملی، تعامل با کشور همسایه و الزامات بین‌المللی؛

ب) قوانین داخلی زمینه‌ساز همکاری با کشور همسایه تصویب شود. در این قوانین به همکاری تصریح و مجری و اختیاراتش مشخص شود؛

ج) تیم مهندسان مخزن، مخازن مشترکی که فقط با همکاری قابل توسعه و بهره‌برداری هستند را مشخص کنند؛

د) تیم مذاکره‌کننده، با اعلام موضوع به کشور همسایه، درخواست مذاکره کند. تیم مذاکره‌کننده، با مستندات فنی، اقتصادی و حقوقی، در معرض آسیب بودن میدان و امکان بهره‌برداری آن از سرزمین کشور همسایه را اثبات و بر اساس آن درخواست همکاری کند؛

ه) در صورت همکاری نکردن کشور همسایه، حتماً باید اعتراض شود؛ چون در دعاوی حقوقی اعتراض نکردن ممکن است سکوت و رضایت تلقی شود. البته تیم حقوقی باید از هرگونه رفتار محکوم‌کننده کشور جلوگیری کند؛

و) برای آغاز مذاکرات بهتر است نخست یک چهارچوب کلی شامل چگونگی تعیین میدان مشترک، شکل همکاری و نحوه حل اختلاف، با کشور همسایه موافقت شود. این موضوع باعث می‌شود که موضوع مذاکره و گفتگو درباره میدان مشترک همیشه تداوم داشته باشد. در مذاکرها و نشست‌ها، به دلیل ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فنی و حقوقی مسئله، همه تیم‌های تخصصی باید حضور داشته باشند؛

ز) در این مذاکرات، باید به فضای بین‌المللی و الزامات آن توجه شود و نباید از این موضوع غفلت کرد. می‌توان از این طریق، زمینه لازم برای همکاری با کشور همسایه را فراهم کرد و یا مانع آسیب زدن یا تعدی کشور همسایه به منابع نفتی مشترک شد.

منابع

۱. آسایش، حمید (۱۳۹۵)، «نگاهی به سهم ایران در میادین مشترک نفت و گاز»، خبرگزاری فارس (۱۳۹۵/۷/۱۲)، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950702000338>
۲. سجادیان، ولی‌الله (۱۳۹۵)، سخنرانی در نشست تخصصی گروه پژوهشی اقتصاد انرژی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تاریخ انتشار ۳۱ مرداد ۱۳۹۵، نقل از پایگاه مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳. شالباف، محسن و عباس ملکی (زمستان ۱۳۹۴)، «سیاست‌گذاری اداره مخازن مشترک نفتی و گازی: مطالعه موردی میادین مشترک ایران و عراق»، سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، ش ۴، ص ۴۹-۷۳.
۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، حقوق نفت و گاز، تهران: نشر میزان.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۶. غفاری، علیرضا و عاطفه تکلیف (۱۳۹۴)، «کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی-گنبد شمالی: مدل مفهومی با تأکید بر الزامات حقوقی»، پژوهشنامه اقتصادی انرژی ایران، سال چهارم، ش ۱۶، ص ۱۳۷-۱۸۰.
۷. قانون اصلاح قانون نفت، مصوب ۱۳۹۰/۴/۱ مجلس شورای اسلامی.
۸. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۱.
۹. قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۰.
۱۰. قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۵.
۱۱. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۱.
۱۲. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۷.

۱۳. قانون بودجه سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ کل کشور، مصوب مجلس شورای اسلامی.
۱۴. قانون موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره بین ایران و بحرین، مصوب مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۵۰/۱۲/۳.
۱۵. قانون موافقت‌نامه تحدید حدود مرز دریایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۷.
۱۶. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۹.
۱۷. کاشانی، جواد (۱۳۸۹)، منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۸. موافقت‌نامه تعیین حاکمیت دو جزیره فارسی و العربی و همچنین تحدید حدود فلات قاره بین ایران و عربستان سعودی، مصوب مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۴۷/۸/۱۹.
۱۹. موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره بین دولت ایران و دولت سلطنتی عمان، مصوب مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۵۳/۱/۱۶.
۲۰. موافقت‌نامه تعیین خط مرزی حد فاصل فلات قاره بین ایران و قطر، مصوب مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۴۸/۱۲/۲۱.
۲۱. یادداشت اقتصادی/پاسخ مسعود درخشان به ۷ پرسش درباره قرارداد جدید نفتی (IPC)، خبرگزاری تسنیم www.tasnimnews.com.
22. Agreement Between the Government of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland and the Government of the Kingdom of Norway Relating to the Delimitation of the Continental Shelf Between the Two Countries, 10 March 1965.
23. Arinaitwe, Patson Wilbrod, (2013), *Exploitation of Offshore Transboundary Oil and Gas Reservoirs; An International Law Perspective*, www.academia.edu.
24. Bankes, Nigel, (2016), *The Regime for Transboundary Hydrocarbon Deposits in the Maritime Delimitation Treaties and Other Related Agreements of Arctic Coastal States*, Journal Ocean Development & International Law, Volume 47, 2016 - Issue 2, <https://doi.org/10.1080/00908320.2016.1159087>///
25. International Energy Agency (IEA) (2013), *World Energy Outlook* released on 12 November, Pages 141-164 | Received 05 Dec 2015,

Accepted 05 Jan 2016, Published online: 19 Apr 2016,
<https://www.iea.org/publications/freepublications/publication/world-energy-outlook-2013.html>. ///

26. King, A. Allen, (1948) "Pooling and Unitization of Oil and Gas Leases", *Michigan Law Review*, Vol. 46, No. 3.
27. Lang Weaver, Jacqueline, Asmus, David F., (2006) *Unitizing Oil and Gas Fields around the World: A Comparative Analysis of National Laws and Private Contracts*, The Association of International Petroleum Negotiators (AIPN).
28. *Ocean Development & International Law*, 47:2, 141-164, DOI: 10.1080/00908320.2016.1159087.

